

فوتبال ایران
بدبخت است!



همه ما می‌دانیم که دلالت‌ها تیم می‌بندند، شما ببینید چقدر فوتبال ایران بدبخت است که یک پیشکسوت بعد از این همه سال بازی و سابقه ملی باید آویزان دلال‌ها شود تا تیم بگیرد. وقتی در خانه خودم جایی برای کار نیست و باید به دنیال دلال‌ها باشم، می‌روم خانه همسایه می‌نشینم و با بازی در فیلم و سریال، پول در می‌آورم. این اتفاق خیلی بد است که در زمان حیات پیشکسوتان، هیچ‌کس یادی از آنها نمی‌کند اما وقتی هم یک اتفاقی می‌افتد، بازی یادبود، مراسم، قطعه‌نواوران... به نظرشان چه فرقی می‌کند که یک پیشکسوت بعد از مرگش در بیابان دفن شود یا قطعه نام‌آوران؟ بعضی از پیشکسوتان به نان شب محتاج بودند. یکی از آنها می‌گفت همین قبر قطعه نام‌آوران را بفروشند و امروز پولش را بدهند که شکم را سیر کنم، بعد از مرگ هم، مرا در بیابان رها کنند. مدیرعامل پرسپولیس می‌تواند به هر کسی که دلش خواست، پست بدهد؛ اصلاً ۵۰ نفر را بیارود و حکم بدهد اما او باید بداند که این باشگاه ۵۰ تا پیشکسوت ندارد که ۱۴ سال برای این تیم بازی کرده باشد.



روزی که مربی
امیدها شدم



ما با پیشکسوتان پرسپولیس به میان‌دوب رفتیم. محمد پنجعلی مدیر آکادمی پرسپولیس بود. مجتبی محرمی در آن سفر به پنجعلی گفت چرا نمی‌گذاری ما در باشگاه خودمان کار کنیم؟ تیم امید را به من بده، بهروز را هم می‌آورم که کمک کند. خلاصه با کلی داستان، پنجعلی قبول کرد اما وقتی رفتیم سر زمین، دیدم آدموند بزرگ به عنوان سرمربی به زمین آمد. همان دوره‌ای که شما می‌گویید، عمر زیادی نداشت و خیلی زود از آکادمی باشگاه کنار کشیدم. من از هیچ بنده خدایی نمی‌ترسم و حرفم را می‌زنم. چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. چرا مدیریت آکادمی یا سایر پست‌های باشگاه در اختیار کسانی است که مجموعاً ۳ سال برای پرسپولیس زحمت نکشیده‌اند؟ امثال من و محرمی و ده‌ها پرسپولیسی دیگر خانه‌نشین شدیم اما دیدیم که چه کسانی پست گرفتند. این اتفاقات، بی‌احترامی به پیشکسوتان واقعی است.

گفت‌وگوی اختصاصی ایران

هیچ وقت سرخاک مهرداد

گران‌ترین بازیکن فعلی یک میلیارد

یکسری کاراکترها در فوتبال هستند که حواشی صحبت کرد و لذت برد. یکی از آن‌ها با سابقه پرسپولیس که به قول خودش، بی‌تا بود در خانه همسایه بنشیند و بازیگر گفت نشستیم و از صحبت‌های لذت بردی که ماحصل آن، انتشار این مصاحبه است. رهبری فر از سر فیلم برداری به ایران ورزش در عقرب مهمان ما شد.

مربوط به دربی بود که بعد از آن برنامه، گفتند هر دو نفر آنجا دچار کرونا شدند. مهرداد زنگ زد و دعوت کرد اما گفتم یکبار در یک برنامه دیگر مرا دعوت کرد و حرف‌هایی زدم که سر شد. هر جا مجری باشی، نمی‌آیم. بعد علی رفت و این داستان‌ها اتفاق افتاد. روزهای اول که مهرداد بستری بود، مدام با هم صحبت می‌کردیم. چند روز گذشت و خبرها در مورد بیماری او تلخ‌تر شد تا اینکه شبکه خبر زیرنویس کرد مهرداد فوت شد. من تا آن روز جلوی بچه‌هایم گریه نکرده بودم اما یکدفعه اشک از چشمم سرازیر شد. دخترم گفت: «پاپا از چشمت آب می‌آید» برای اینکه آنها را ناراحت نکنم، رفتم توی اتاق و آنجا بود که خودم را رها کردم. شاید باورتان نشود، یک هفته خودم را داخل اتاق حبس کرده بودم. رگ بگویم، اصلاً فکرمش را نمی‌کردم بیماری علی تا آن حد جدی باشد. آن روزها آن قدر اشک ریختم که دخترم تا چند ماه از من می‌پرسید: «چرا دوست مُرد، گریه کردی؟ خیلی دوستش داشتی؟» هنوز هم باور ندارم که علی رفته باشد. خیلی‌ها گفتند چرا علی رفت، سر و کله‌ات در بیمارستان پیدا نشد اما به آنها می‌گویم علی و مهرداد از نظر شما رفته‌اند.

من فکر می‌کنم هر دو نفر زنده و سالم هستند اما گرفتار زندگی خودشان شده‌اند و حال و احوالی از من نمی‌پرسند. هنوز هم در مناسبت‌های مذهبی و عید نوروز برای هر دو نفر پیامک می‌فرستم. مرگ یعنی چی؟ هنوز حتی یکبار سر خاک‌شان نرفتم و هرگز نمی‌روم. هر کسی هر طور دوست دارد، در مورد من فکر کند.

من باید دستیار می‌شدم نه مطهری

حرف‌های من احساسی است، حرفه‌ای نیست اما بدانید که در کشور ما، همه چیز احساسی است. بی‌اعتنایی مدیران باشگاه پرسپولیس برای من ضربه بزرگی است. من با یحیی گل محمدی کلاس مربیگری را تمام کردم و اگر قرار است یک نفر دستیارش شود، من باید باشم نه حمید مطهری که مجموعاً شش ماه در پرسپولیس بود و به خاطر مصدومیت کم‌رزش همیشه روی نیمکت بود. اتفاقاً من جدا از سابقه طولانی بازی در پرسپولیس، بازی ملی هم داشتم که امثال مطهری نداشتند. هر کلاسی که در ایران برگزار شد، رفتم و حمید هم بود. هر چیزی که او بلد است، من هم بلدم. نمی‌گویم مطهری آدم بدی است، این رویه را غلط می‌دانم. اگر من هم مربی شوم، دانشم را به روز می‌کنم، کلاس‌های بیشتری می‌روم و مطالعه می‌کنم اما الان که بیکار هستم، کلاس مربی‌گری چه گره‌ای از زندگیم باز می‌کند؟

درخشان ۶ تا بنز دارد!

علی پروین شرکت پیشکسوتان را راه انداخت و گفتند به همه پیشکسوتان، ماهی یک میلیون تومان می‌دهیم. به آنها گفتم یعنی جلیل آردم یک میلیون بگیرد، مجتبی محرمی، ناصر محمدخانی و بهروز رهبری هر هم یک میلیون؟ مگر صدقه است؟ به نظر محرمی باید ۱۰ میلیون بگیرد، من ۲ میلیون. این برنامه ریزی، بی‌حرمتی به همه پیشکسوتان بود. بعد هم فهمیدم همه پیشکسوتان ماهی یک میلیون تومان می‌گیرند اما علی پروین ۳۰ میلیون! این مسائل را گفتم و مرا از شرکت پیشکسوتان بیرون انداختند! مگر حرف بدی زده بودم؟ مگر علی پروین هم پیشکسوت باشگاه نبود؟ حمید درخشان ۶ تا بنز در خانه‌اش دارد، چرا او باید یک میلیون بگیرد و مجتبی محرمی هم یک میلیون؟ مهدی تارتار آن زمان سرمربی پارس جنوبی جم بود و از شرکت پیشکسوتان ماهی یک میلیون می‌گرفت اما پیشکسوتی که هیچ کاری نداشت، دقیقاً همان رقم را دریافت می‌کرد.

من به این مسائل اعتراض داشتم و زیر بار حرف زور نمی‌روم. به جای آنکه حرفم را بپذیرند، مرا کنار می‌گذارند.

سطح لیگ افتضاح بود

روی هم رفته، فکر کنم سه یا چهار بازی از لیگ بیستم را دیدم. حقیقتش را بخواهید، از فوتبال بدم آمده است. یکسری اتفاقات افتاده که با ادامه این روند، به نظر من همه چیز بدتر هم می‌شود. در یک کلام بگویم، افتضاح، افتضاح! بهترین بازی سال ما، دربی است. کوچک‌ترین خلاقیتی در دربی‌های فصل قبل دیدید؟ حتی یک دعوا یا هیجان درست و حسابی هم نداشت. زمان ما یکسری چهره‌ها، فوتبال را جذاب می‌کردند.

مثلاً فیروز کریمی، اکبر میناقیان، فرهاد کاظمی، احمد عابدزاده، علی پروین، مجید نامجو مطلق، مجتبی محرمی، علی کریمی، علی انصاریان و... الان لیگ ایران غیر از کلی سر و صدای نقل و انتقالی، چه دستاورد یا هیجانی دارد؟ به

سلاطین فوتبال‌یستهای جوکر رفته اند

آنهاهی که باید وارد جوکر می‌شدند، دیگر نیستند. از بین فوتبالی‌ها، مهرداد می‌نماند و علی انصاریان می‌توانستند به این برنامه بروند و محور اصلی همه شوخی‌ها باشند. مطمئن باشید این دو نفر در جوکر «قیامت» به پا می‌کردند. با این حال، می‌توانستند چند فوتبال‌یست هم دعوت کنند که جوکر جذاب‌تر شود. برنامه‌شام ایرانی را یادتان می‌آید. هنوز وقتی آن قسمت که انصاریان و حامد آهنگی به همراه جواد هاشمی و بازیگر لبنانی را می‌بینم، از ته دل می‌خندم.

پیشنهاد استقلال به من ۱۲۰ میلیون بود

مهدی با ۱۰۰ میلیون تومان به استقلال رفت و چند روز بعد، باشگاه استقلال به من پیشنهاد ۱۲۰ میلیون تومانی داد. اهل ادا و اصول نیستم که فخر بفروشم یا شوقم کم اما به آنها گفتم پرسپولیس را دوست دارم و می‌مانم. علی نظری جویباری زنده و شاهد است. حتی در یک کافی‌شاپ در خیابان خواجه‌انصاری قرار گذاشتیم و حرف زدیم. دقیقاً ۱۳ میلیون تومان که ۴ میلیون دادند و ۹ میلیونش آب رفت. خیلی‌ها از من می‌پرسند چرا هاشمی‌نسب باید آن همه ملک و املاک داشته باشد و تو هنوز اجاره‌نشین باشی اما جوابش مشخص است. مهدی رفت، پولش را هم گرفت و نوش جانش اما من ماندم. خدا شاهد است که همان ۴ میلیون تومان را قسطی پرداخت کردند. به بازیکنان چک‌های ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی می‌دادند. مثلاً کل چک‌ها می‌شد ۵۰ میلیون تومان؛ محمود خوردبین می‌گفت فردا صبح ۳۰ میلیون تومان وارد حساب باشگاه می‌شود. طبیعتاً هر کسی که زودتر به بانک می‌رفت، زودتر پول می‌گرفت. آن زمان، به این شکل بود که یا باید همان روز پول می‌گرفتی، یا قید پول را می‌زدی. یکبار ساعت ۶ صبح رفتم بانک که نفر اول باشم، دیدم وحید قلیچ روی قفل بانک خوابیده! وقتی کارمندان بانک آمدند، بازیکنان پرسپولیس کرکره بانک را دادند بالا!

فکر می‌کنم مبلغ آخرین قراردادم ۱۸ میلیون تومان، زمان محمدحسن انصاری فرد بود که تا امروز هم تسویه نشد. چک‌هایی که به من دادند، فردی به اسم تمدن‌یزدی کشید اما پاس نشد. تازه آن چک‌ها هم به صورت امانی به ما داده شد. خودتان بگویید نام این مدل قرارداد بستن، چیست؟ خیانت نیست؟

یک نفر با من تماس نداشت

پاول ندود اهل کشور چک است اما باشگاه بوونتوس به او پست داد. چرا؟ چون تمام زندگی ندود صرف بازی و افتخارآفرینی در بوونتوس بود. آنها از باشگاه کالیاری یا فیورنتینا کسی را نیاوردند که در بوونتوس حکم بدهند زیرا می‌دانستند حق ندود است که کار کنند؛ ندود بوده که جوانی و زندگی خودش را در بوونتوس گذاشته است. اروپایی‌ها قدردان تلاش پیشکسوتان خودشان هستند. مگر پرسپولیس چند بهروز ر هیری فرد داشت؟ چند بازیکن داشت که ۱۵ سال در این تیم، فیکس بازی کردند؟ همه می‌گویند فوتبال حرفه‌ای شده اما جایی که باشگاه‌های حرفه‌ای دنیا، به پیشکسوتان خودشان پست می‌دهند را نمی‌بینند. عمر و جوانی من در پرسپولیس گذشت و بیش از صدبار تلاش کردم تا صدایم را به باشگاه پرسپولیس ثابت کنم. انواع و اقسام پیشنهادات را داشتم. عابدینی هر وقت مرا می‌دید، می‌گفت از قطر، قزاقستان، ازبکستان و... دعوتنامه داری. من می‌گفتم می‌خواهم در همین پرسپولیس بمانم. این شد جواب صداقت من که حتی در هیچ یک از مراسم‌ها مرا دعوت نمی‌کنند. انگار نه انگار ۱۵ سال پیراهن این تیم را به تن داشتم.

به من می‌گویند خودت باید بروی و از باشگاه پست بگیری اما چرا باید کسی را التماس کنم؟ بعد از ۱۴، ۱۵ سال، ما را از پرسپولیس اخراج کردند. کجای دنیا سراغ دارید که یک بازیکن را بعد از این همه سال فعالیت، اخراج کنند؟ بعد هم رفتیم باشگاه، نگهبان باشگاه گفت انصاری فرد به ما دستور داده چند نفر را راه ندهیم؛ یکی از آنها، شما هستید. از داود فناهی بپرسید. نام او هم در آن لیست بود. حالا می‌بینم دو نفر که پیشکسوت باشگاه‌های دیگر هستند و دو، سه سال آخر فوتبال‌شان به پرسپولیس آمدند، بر سر پست گرفتن در این باشگاه دعوا می‌کنند، ناراحت و عصبانی می‌شوم. این همه مدیرعامل به باشگاه پرسپولیس آمد و رفت، یک نفر از آنها تماس نگرفت که حال مرا بپرسد. چه فوتبالی و چه غیرفوتبالی.

علی و مهرداد رفتند، خیلی تنها شدم

خیلی تنها شدم. آخرین برنامه‌ای که مهرداد و علی با هم در آن شرکت کردند،

